

کلاس درس به‌عنوان یک گروه یا نظام اجتماعی دارای همه ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی است و از این نظر مورد توجه صاحب‌نظران علوم رفتاری قرار دارد. مدیریت کلاس بر عهده معلم است که قبل از آموزش یا هرگونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را به‌منظور تحقق اهداف مدیریت کند. امروزه، از مهم‌ترین چالش‌های هر معلم در کلاس، برقراری ارتباط مؤثر و صحیح با فراگیرندگان است. از طرف دیگر، ارتباط معنادار کلید اجرای موفقیت‌آمیز بسیاری از شیوه‌های مدیریت در کلاس است. ارتباط عامل اصلی یادگیری است که شاخص‌های متعددی را دربرمی‌گیرد. اهمیت ارتباط در کلاس درس به میزانی است که بعضی از صاحب‌نظران معتقدند ارتباط و اداره و کنترل کلاس درس لازم و ملزوم یکدیگرند. در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان در کلاس، معلم با موانع و عوامل زیادی روبه‌روست و آگاهی او از این موارد و تسلطش بر مهارت‌های ارتباطی در جهت تحقق اهداف آموزشی، ضرورتی انکارناپذیر است.

این اقدام پژوهی با هدف علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس مطالعات اجتماعی در کلاس اول متوسطه به شیوه همیاری در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ با جمع‌آوری اطلاعات از همکاران، مدیر، معاون، مشاور مدرسه، حتی برخی از اولیای دانش‌آموزان، خود دانش‌آموز «دبیرستان و پیش‌دانشگاهی والفجر» (آموزش و پرورش ناحیه یک تبریز) و منابع علمی انجام شده است و گزارش آن در ادامه از نظر تان می‌گذرد.

کلیدواژه‌ها: روش تدریس، شیوه همیاری، مشارکت در کلاس

گزارش یک پژوهش در عمل

# تدریس به شیوه همیاری

عیسی عابدینی

دبیر علوم اجتماعی آموزش و پرورش ناحیه یک تبریز



گرامشی و فریره بر اهمیت گفت و گو بین معلم و دانش آموز، ماهیت پویای یادگیری و اهمیت حضور در مدرسه به عنوان ابزاری برای توسعه اشکال جدید دانش و ادراکات جدید تأکید می‌ورزند

## مقدمه

**ایور موریش (۱۹۷۸)**، از صاحب نظران جامعه‌شناس تعلیم و تربیت، معتقد است که نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش باید زمینه‌های لازم را برای اعضای خود در خصوص برقراری ارتباط صحیح با محیط و افراد جامعه مهیا کنند. دانش آموزان باید بدانند جامعه‌ای که در آن به سر می‌برند چگونه است و چگونه می‌توانند نقش خود را به نحو احسن ایفا کنند. از طرف دیگر، از اهداف مصوب نظام آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی دانش آموز است. به طوری که انتظار می‌رود فراگیرنده بعد از فراغت از تحصیل به عنوان شهروندی مؤثر و فعال در جامعه کلاس و مدرسه، و در سطح ملی و جهانی با دیگران ارتباط مؤثر داشته باشد. ارتباط امری اکتسابی و مهم ترین مکان برای کسب آن کلاس درس است. ارتباط عامل اصلی یادگیری است.

کلاس درس به عنوان یک نظام اجتماعی همه فعالیت‌های معلم را شامل می‌شود. مدیریت کلاس درس مشتمل بر سه مرحله مقدمات (طراحی و سازمان دهی)، اجرا (رهبری، هماهنگی، کنترل و آموزش) و ارزشیابی است. این دیدگاه زمینه پویایی، توصیف، تحلیل و تبیین کلاس درس و فعالیت‌های معلم را فراهم می‌کند (ریس و مور، ۱۳۸۱).



**ژان پیازه** می‌گوید: «اگر دانش آموزی برای رسیدن به حقیقتی سه روز وقت صرف کند، به صرفه تر است از اینکه همان حقیقت را در یک ربع ساعت برایش توضیح دهیم.» جمله پیازه این پرسش را در ذهن من تداعی کرد که: «چرا دانش آموزان درس مطالعات اجتماعی را درس بااهمیتی نمی‌دانند». درس مطالعات اجتماعی از جمله درس‌هایی است که هم دانش آموزان، هم عوامل مدرسه و اولیای دانش آموزان چندان به آن اهمیت نمی‌دهند. پس در صدد برآمد تا علل این امر مهم را با کمک همکاران، عوامل مدرسه، اولیای دانش آموزان و منابع علمی موجود دریابم و به اقدامی عملی در این زمینه دست بزنم.

## بیان مسئله و توصیف وضع موجود

در اولین روز و اولین ساعت کلاس مطالعات اجتماعی، بعد از آشنایی مختصر با بچه‌ها و معرفی خود و درسی که می‌خواستم تدریس کنم، تصمیم گرفتم درس اول از کتاب مطالعات اجتماعی را تدریس کنم اما وقتی از اهمیت

درس مطالعات اجتماعی صحبت می‌کردم، دانش آموزان را بی‌انگیزه دیدم. حتی عده‌ای مشغول درس‌های دیگر و با بازیگوشی بودند. به کار ادامه دادم. با خود فکر کردم شاید اول سال است و کم کم متوجه می‌شوند. در میان توضیحات درس سعی کردم با پرسش‌های حین تدریس، دانش آموزان را بیشتر به مطالب نزدیک کنم که دیدم کسی جواب نمی‌دهد. یاد این جمله **مک دونالد** افتادم که: «از منظر تدریس تعاملی، یادگیری کلیتی است که انسان آن را تجربه می‌کند و این تجربه موجب شناخت و تحول او می‌شود. سه اصل آزادی، مسئولیت و انتخاب نقش اساسی را در این رویکرد بازی می‌کنند» (شعبانی، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

از دانش آموزان سؤال کردم که چرا همکاری نمی‌کنند و چرا به این درس علاقه ندارند. از آن‌ها خواستم، اگر در روش تدریس اشکالی می‌بینند، بگویند. گفتم: «شما هر پیشنهادی که بدهید، قبول می‌کنم.» دیدم که چیزی نگفتند. خواستم که یکی یکی نظراتشان را در این مورد بیان کنند. نظر اغلب آن‌ها این بود که «معلم سال قبل و سؤالات او برای ما کافی است. شما به این کلاس نیایید و بگذارید همان معلم قبلی ما بیاید. ما به نحوه تدریس او عادت کرده‌ایم. شما لطف کنید به کلاس دیگری تشریف ببرید.» کمی فکر کردم و خواستم که با آن‌ها کنار بیایم. تصمیم گرفتم مدلی طراحی کنم و با کمک کادر مدرسه و خود دانش آموزان به آن عمل کنم. بدین منظور سؤالاتی را به شرح زیر طراحی کردم:

۱. با استفاده از مهارت‌های ارتباطی چگونه می‌توانم با دانش آموزان بیشتر ارتباط برقرار کنم؟
۲. با استفاده از شاخص‌های فعال تدریس چگونه می‌توانم دانش آموزان را به مشارکت در اداره کلاس درس علاقه‌مند کنم؟
۳. چرا دانش آموزان به درس‌های علوم اجتماعی (درس مطالعات اجتماعی، جامعه‌شناسی و اقتصاد) چندان اهمیت نمی‌دهند؟
۴. چگونه می‌توانم ذهنیت قبلی دانش آموزان را نسبت به درس، معلم قبلی و روش‌های او عوض کنم؟
۵. کدام دسته از اعمال و رفتارهای معلمان باعث می‌شوند بچه‌ها در کلاس‌ها به شیوه‌ای آزاد و بدون فشار پیشرفت کنند؟ به منظور بررسی بیشتر و یافتن راه‌حل به جمع‌آوری اطلاعات از همکاران، مدیر، معاون و مشاور مدرسه پرداختم. حتی به برخی از اولیای دانش آموزان، خود دانش آموزان و منابع علمی مراجعه کردم.

سپس با استفاده از این روش‌ها به جمع‌آوری اطلاعات پرداختم: مشاهده طبیعی، مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای)، مصاحبه، تهیه فهرست وارسی (چک لیست)، و گروه‌سنجی.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌بندی اطلاعات و داده‌ها متوجه تناقضات زیر شدم:

۱. بی‌علاقگی برخی از دانش‌آموزان به درس‌های علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، مطالعات اجتماعی و اقتصاد).
  ۲. مطالعه درس مطالعات اجتماعی بدون علاقه به این درس و شناخت آن، توسط بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان.
  ۳. ناآشنایی معلم با روش‌های نوین تدریس (درحالی‌که کتاب‌ها بیشتر به شکل روش‌های نوین تدریس طراحی شده‌اند).
  ۴. عدم استفاده معلم از بحث‌های گروهی (گفت‌وگو کنید، بحث کنید، دلیل بیاورید، اطلاعات جمع‌آوری کنید و... و قسمت‌های مشابه این قسمت‌ها).
  ۵. اهمیت ندادن معلم به مشارکت گروهی و مشارکت حین تدریس دانش‌آموزان.
  ۶. نگرش منفی دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها به اهمیت و ارزش درس‌های علوم اجتماعی و تأثیر آن‌ها در آینده شغلی و تحصیلی دانش‌آموزان.
  ۷. نگرش منفی دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها به اهمیت و ارزش درس‌های علوم اجتماعی در کنکور.
  ۸. نبودن همایش و کارگاه‌های توجیهی کافی در جهت ارتقای کیفی تدریس از دیدگاه همکاران.
  ۹. بی‌توجهی همکاران به چگونگی تدریس درس‌های علوم اجتماعی.
  ۱۰. کمی بودن ارزشیابی و کافی نبودن آن در ارزشیابی درس‌های علوم اجتماعی.
  ۱۱. آشنایی ناکافی مدیران و مسئولان با درس‌های علوم اجتماعی و سپردن تدریس به معلمان غیرمتخصص.
- با استفاده از مدل ارائه شده در نمودار ۱ به جست‌وجوی راه‌حل‌های احتمالی برای تدریس درس مطالعات اجتماعی پرداختم.

## روش‌های پیشنهادی (راه‌حل‌های

### موقت جهت اقدام)

**فرض ۱:** استفاده از روش تدریس هم‌یاری باعث بهبود یادگیری درس مطالعات اجتماعی توسط دانش‌آموزان می‌شود.

### فرض‌های فرعی:

● استفاده از شیوه هم‌یاری (تدریس اعضای گروه)<sup>۱</sup> اعتمادبه‌نفس و مشارکت دانش‌آموزان را بیشتر خواهد کرد.

● استفاده از شیوه هم‌یاری (تدریس اعضای گروه) مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را در یادگیری درس بیشتر می‌کند.

● ارزشیابی فردی و گروهی در آخر تدریس باعث انگیزه بیشتر دانش‌آموزان برای فراگیری مطالب و مشارکت بیشتر آنان در فرایند تدریس خواهد شد.

برنامه اجرایی (اقدام) خود را براساس الگوی استرینگر تنظیم کردم و برای اجرای آن از روش «شش پرسش» به شرح زیر کمک گرفتم (براساس الگوی استرینگر، ۱۳۷۸: ۱۱۱):

۱. **چه چیزی:** چه چیزی را باید اصلاح و چه عملی را باید تصحیح کنم تا مشکل حل شود؟ روش تدریس، نگرش دانش‌آموزان به درس مطالعات اجتماعی و وسایل کمک آموزشی.

۲. **چگونه:** با استفاده از شیوه هم‌یاری (تدریس اعضای گروه).

۳. **چه کسانی:** معلم (من) به‌عنوان هماهنگ‌کننده و راهنمای سرفصل‌ها، حل‌کننده تعارضات گروهی و تسهیل‌کننده شرکت در گروه‌ها، و دانش‌آموزان به‌عنوان کسانی که می‌خواهم رفتارشان را تغییر دهم.

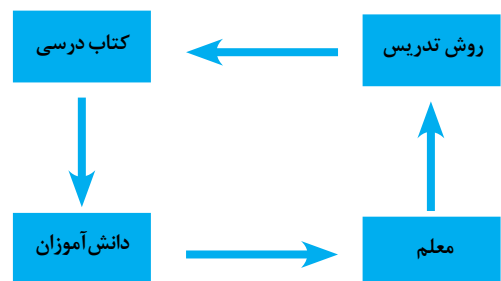
۴. **کجا:** کلاس درس مطالعات اجتماعی.

۵. **چه وقت:** موقع تدریس و ارزشیابی آن طبق برنامه‌ای که مدرسه در اختیارمان گذاشته است.

۶. **چرا:** بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس مطالعات اجتماعی.

### اجرای روش پیشنهادی

ابتدا دانش‌آموزان را به شیوه گروه‌سنجی در گروه‌های چهار نفره قرار داده و مهارت‌های لازم را در جلسه اول توضیح دادم.<sup>۲</sup> در این روش (تدریس اعضای تیم) کل موضوع درس را بین اعضا تقسیم می‌کنند و هر فراگیرنده مسئول تدریس بخشی از آن به دیگران می‌شود. وقتی همه اعضا کار خویش را انجام دهند، کل درس آموزش داده می‌شود. محتوای درس را میان دانش‌آموزان تقسیم کردم و یک



نمودار ۱. مدل تدریس دانش‌آموز محور

با اجرای شیوه  
همیاری نتایج زیر  
حاصل شد:

- مشارکت
- دانش آموزان در فرایند تعلیم و تربیت بیشتر شد
- میزان علاقه مندی دانش آموزان به درس مطالعات اجتماعی بیشتر شد
- میانگین نمرات درسی دانش آموزان در درس مطالعات اجتماعی به حدود رضایت بخشی رسید
- مهارت های اجتماعی و روابط اجتماعی بین عناصر مدرسه شامل تعامل بین دانش آموزان با هم و با معلم بهبود یافت

بخش از آن را به عنوان پیش مطالعه به هر یک از اعضا دادم. وقتی که اعضای گروه جمع شدند، عضوی اولین بخش را به دیگران درس داد و سپس دیگر اعضا به نوبت بخش خودشان را آموزش دادند.

بعد از اینکه آموزش کامل شد، تا برگزاری آزمون جامعی از موضوع درس درک فراگیرندگان را به صورت فردی ارزشیابی کردم. سپس کلید پاسخها را در اختیارشان قرار دادم؛ کلیدی که دلایل منطقی برای درست یا نادرست بودن هر یک از پاسخها ارائه می داد و به فراگیرندگان کمک می کرد در یابند چرا پاسخشان غلط است (کلید و متن سؤالات را قبلاً آماده کرده بودم).

زمانی را برای نقد در نظر گرفتیم. اعضای گروهها کار خویش را ارزشیابی کردند و به این سؤالات پاسخ دادند:

● تا چه حد موضوع تعیین شده را خوب فرا گرفتید و در اختیار دیگران قرار دادید؟

● برای مؤثر بودن کار خود در گروه چه پیشنهادی دارید؟ دانش آموزان در ابتدای کارشان ناهماهنگ و کم تجربه بودند، و همکاری مناسبی نداشتند و از روند پیشرفت کار

چندان راضی نبودند. کار به جایی کشید که دانش آموزان از مدیر مدرسه دعوت کردند به کلاس آنها بیاید و از نزدیک وضعیت تدریس و ارزشیابی کلاسشان را مشاهده کند. اکثر آنها ضمن انتقاد از وضع موجود، با مدیر صحبت کردند. مدیر مدرسه بدون تعارف ضمن ارائه تجربیات خود، با تأیید روند اجرای تدریس، آنها را به ادامه همکاری تشویق کرد. وضعیت نمرات هم چندان رضایت بخش نبود

ولی بعد از گذشت سه جلسه، به تدریج دانش آموزان مهارت های لازم را به دست آوردند. از همکاران نیز کمک خواستم و اکثر آنان این روش را تأیید و دانش آموزان را تشویق کردند.

بعد از جلسات چهارم و پنجم، دانش آموزان به مزایای این روش پی بردند و خواستند تا آخر سال این روش را ادامه دهیم.



### ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

در مقایسه با اول سال تحصیلی مشکل ارتباط با دانش آموزان برطرف شده بود و دانش آموزان در تمام مراحل یادگیری - یاددهی مشارکت فعال داشتند. میانگین نمرات دانش آموزان از ۱۱/۵۰ به ۱۵/۶۰ رسیده بود که نشان از پیشرفت کار و مفید بودن این روش داشت. نتایج امتحانات

نهایی هم که به صورت کشوری و هماهنگ تنظیم شده بود، رشد قابل توجهی را نشان می داد. از ۱۰۰ نفر در سه کلاس، حدود ۲۴ نفر در نوبت اول کمتر از ۱۰ و ۷۶ نفر بالاتر از ۱۰ نمره گرفته بودند. این در حالی بود که در نوبت دوم با سؤالات هماهنگ کشوری، ۸ نفر نمره کمتر از ده و ۹۲ نفر نمره بالاتر از ده گرفتند (رشد ۴۰ درصدی نسبت به اول سال و رشد ۲۰ درصدی نسبت به نوبت اول). حس جست و جوگری و مشارکت دانش آموزان در انجام فعالیت های فردی و گروهی بیشتر شده و رضایت دانش آموزان از نحوه ارزشیابی نیز تا حدی بهبود یافته بود. آن عده از همکارانی که از عدم مشارکت و بی تفاوتی برخی از دانش آموزان گلایه داشتند، اظهار کردند که تا حدودی وضعیت بهبود یافته است (اعتباربخشی از طرف همکاران). والدین هم از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و تغییر نگرش آنها نسبت به درس های علوم اجتماعی، دبیر، نمره دهی، انجام پروژه و ارائه گزارش در این درس ها رضایت کامل داشتند (اعتباربخشی از طرف والدین دانش آموزان).

احساس مسئولیت، انتقادپذیری، طریق انتقادجویی و نیز زمینه های کاربردی علوم اجتماعی، مهارت های اجتماعی، خودکنترلی و خودارزشیابی در دانش آموزان تقویت شده بود که به مسائل انضباطی کلاس درس نیز کمک می کرد. پیشینه نظری و تجربی نیز این مورد را تأیید می کنند (اعتباربخشی نظری). طبق نظر سنجی ای که پس از اقدام توسط بنده و مدیر و نیز توسط معاون و مشاور مدرسه به دست آمد، اکثر دانش آموزان این روش آموزش و ارزشیابی را تأیید کردند. به این ترتیب، من متوجه شدم که نتایج به دست آمده قابل اطمینان هستند و می توان از آنها در آموزش درس مطالعات اجتماعی و دیگر درس های مشابه استفاده کرد (اعتباربخشی از طرف همکاران).

### نتیجه گیری

با توجه به اطلاعات به دست آمده در زمینه اجرای شیوه همیاری با الگوی تدریس اعضای گروه و الگوی کارایی اعضای گروه نتایج زیر حاصل شد:

● مشارکت دانش آموزان در فرایند تعلیم و تربیت بیشتر شد.

● میزان علاقه مندی دانش آموزان به درس مطالعات اجتماعی بیشتر شد.

● میانگین نمرات درسی دانش آموزان در درس مطالعات اجتماعی به حدود رضایت بخشی رسید.

● مهارت های اجتماعی و روابط اجتماعی بین دانش آموزان بهبود یافت (تعامل بین دانش آموزان با هم و با معلم).

● دانش آموز و معلم هر دو مسئول یادگیری بودند (بحث و مشارکت گروهی به صورت تعاملی شکل می گرفت).

۱۰. زمانی، بی‌بی عشرت (۱۳۸۴). «یاددهی و یادگیری مهارت فناوری اطلاعات در برنامه درسی». فصل‌نامه کتاب. شماره اول. دوره شانزدهم.

۱۱. زمانی، عشرت و علی افخمی (۱۳۸۵). «قابلیت فناوری در فرایند تدریس». رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۷۷. مهرماه.

۱۲. سبحانی‌نیا، محمدحسین (۱۳۸۵). «بررسی روش‌های تدریس دبیران درس دین و زندگی، مطالعات اجتماعی و...» فصل‌نامه پژوهش‌های تربیت اسلامی. سال اول. شماره ۳. گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات اسلامی.

۱۳. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۶). روش‌های تدریس و هنر معلمی. انتشارات اشراق. قم.

۱۴. سلیمانی، سیمین (۱۳۸۵). انضباط در کلاس درس با یازده روش. ماه‌نامه آموزشی و تربیتی پیوند. شماره ۳۲۴. مهرماه.

۱۵. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۲). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. نشر دوران. تهران.

۱۶. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۷. شعبانی، حسن (۱۳۸۲). مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۸. صفوی، امان‌اله (۱۳۸۳). کلیات روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات معاصر. تهران. چاپ نهم.

۱۹. عابدینی، عیسی (۱۳۹۰). مشارکت در کلاس درس (مقدمه‌ای بر روش‌های مشارکتی اداره کلاس درس). در دست چاپ.

۲۰. ——— (۱۳۸۴). کارگاه آموزشی تحلیل برنامه درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی، آموزش نیروی انسانی. آموزش و پرورش ناحیه یک.

۲۱. ——— (۱۳۸۶). جزوه آموزشی روش‌های نوین تدریس، دوره ابتدایی و متوسطه، آموزش نیروی انسانی. آموزش و پرورش منطقه ایلخچی.

۲۲. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۱). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی. انتشارات بعثت. تهران.

۲۳. فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۸۲). روش‌های تدریس فعال و مشارکتی. وزارت آموزش و پرورش. انتشارات تربیت. تهران.

۲۴. ——— (۱۳۸۰). روش‌های فعال تدریس در برنامه‌های پرورشی. وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.

۲۵. فونتانو، دیوید (۱۳۸۲). کنترل کلاس. ترجمه ساده حمزه و مجید محمدی. انتشارات رشد. تهران.

۲۶. قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۸۱). راهنمای عملی پژوهش در عمل. پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران.

۲۷. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). سازه‌های تربیت و دموکراسی. پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران. چاپ دوم.

۲۸. مک نیف و دیگران (۱۳۸۲). اقدام‌پژوهی، طراحی، اجرا و ارزشیابی. ترجمه محمدرضا آهنچیان. انتشارات رشد. تهران.

۲۹. نرت وی. مری (۱۳۸۰). درآمدی بر گروه‌سنجی و پویایی گروهی. ترجمه غلام عباس توسلی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ پنجم.

30. [http://www.tehranedu.com/subparts/gam84/default.asp?pgurl=/subparts/gam84/ravan/article/mohit\\_shad-ab.htm2008-4-14](http://www.tehranedu.com/subparts/gam84/default.asp?pgurl=/subparts/gam84/ravan/article/mohit_shad-ab.htm2008-4-14)

31. <http://ravannevis.blogfa.com/post->

32. <http://ravannevis.blogfa.com/post-90.aspx>

33. <http://honaremoalemi.blogfa.com/>

34. Bittner, Lincoln (2000). Basic Management styles.

35. Good, T. I. & Brophy, J. E. (1995). Teacher student relationship. New York: Holt Rinehart & Winston.

● مهارت‌های کلامی، اعتمادبه‌نفس، حس مسئولیت‌پذیری، روحیه جست‌وجوگری و تحقیق و تفحص، خودارزشیابی، خودکنترلی، حس تعاون و مشارکت در دانش‌آموزان تقویت شد.

دانش‌آموزان یاد گرفتند که آموخته‌های کلاس را به‌صورت عملی با رویدادهای خارج از مدرسه مرتبط سازند.

● مشارکت گروهی، تعاملات گروهی، پویایی گروه، رهبری و هدایت گروه در دانش‌آموزان شکل گرفت.

● فاصله بین معلم و دانش‌آموز کمتر و احساس هم‌بستگی گروهی بیشتر شد.

● ارزشیابی کلیشه‌ای، جزئی‌نگر، کمی‌نگر و منقطع‌جای خود را به ارزشیابی کیفی همراه با انعطاف‌پذیری و توجه به کلیت و ساختار متن درس و شکل گروهی دادن به ارزشیابی و فرایندی کردن آن داد. این امر باعث تقویت تفکر، فرضیه‌سازی و چندوجهی شدن ارزشیابی خواهد شد که فقط به امتحان کتبی خلاصه نمی‌شود بلکه بحث گروهی و فردی، مشارکت در کارهای گروهی، انجام پروژه، جمع‌آوری اطلاعات و ارائه گزارش را نیز در بر دارد.

● ارزشیابی فردی و گروهی میزان رقابت و انگیزه مطالعه را بین دانش‌آموزان بالا برد.

● علاقه دانش‌آموزان به تحقیق و پژوهش بیشتر شد.

#### پی‌نوشت‌ها

#### 1. The Team Member Teaching Design

۲. برای توضیح بیشتر به بحث گروه‌سنجی مراجعه شود.

#### منابع

۱. استرینگر، ارنست تی (۱۳۷۸). تحقیق عملی، راهنمای مجریان تغییر و تحول. ترجمه سیدمحمد غزالی و داود ایزدی. دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.

۲. بازارگان، عباس (۱۳۷۲). «اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت». فصل‌نامه تعلیم و تربیت. شماره ۳ و ۴. پاییز و زمستان.

۳. باقری، خسرو و یزدانی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). «الگوی برای پژوهش در ارزشیابی تحصیلی براساس دیدگاه هرمنوتیک». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱. سال اول.

۴. پیری، موسی (۱۳۸۲). «مدیریت کلاس درس». نشریه رشد تکنولوژی آموزشی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. شماره ۵.

۵. جلسات شورای مدرسه (۱۳۸۸)، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی والفجر.

۶. جلسات کمیته پژوهشی و همیاری مدرسه (۱۳۸۸)، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی والفجر.

۷. حاتری‌زاده، خیره‌بگم، سودابه قاسم‌خان و لیلی محمدحسین (۱۳۸۱). یادگیری از طریق همیاری. نشر نی. تهران.

۸. رابینز، استیون (۱۳۷۸). رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.

۹. رضایی، منیره (۱۳۸۲). «اقدام‌پژوهی، فرایند مستمر پژوهش». پژوهش‌نامه آموزشی. شماره ۱۳.